

حکایت ۶۰ ساله خیانت سرانه حزب توده سرمقاله
دیدگاهها صفحه ۴
میلاد پاسدار بزرگ اسلام، امام حسین (ع) و روز پاسدار گرامی باد صفحه ۷
باید به مجلس و دولت در جهت برطرف کردن محرومیت ها کمک کرد (گفتگو با حجت الاسلام نوری نماینده امام در جهادسازندگی) صفحه ۸
اعراب، اسرائیل، سازش (۱) صفحه ۱۲
(۵) شورای هماهنگی نهادهای انقلابی (انقلاب و نهادهای انقلابی) صفحه ۱۴
عوامل رشد انسان (۲) (ویژه کمیته فرهنگی) صفحه ۱۶
توطئه های استکبار جهانی و ضرورت کار فرهنگی در کردستان (۲) ویژه کمیته فرهنگی صفحه ۱۷

معارف اسلامی

بررسی نظریه افلاطون در باب اخلاق (از استاد شهید مطهری) ... صفحه ۲۰
تواضع زیباترین صفت روح انسان (از آیت الله مشکینی) صفحه ۲۲
هجرت اولین گام در سیرالی الله (درسهایی از استاد جوادی املی) صفحه ۲۴
اجماع، سومین منبع کسب احکام الهی (نظام اجتهاد بر اسلام (۸)) صفحه ۳۷

اقتصادی

بایرنامه ریزی صحیح و اصولی، خسارتهای گذشته جنگلها را جبران نموده و در حفظ آنها بکوشیم (ویژه کمیته کشاورزی) صفحه ۲۸
اقدامات کشورهای صنعتی در مقابله با کشورهای صادر کننده نفت (مروری بر تاریخچه اوپک (۵)) صفحه ۳۰
گزارشی از اوضاع سیستان و بلوچستان (زمین و خوانین (۱)) صفحه ۳۲
کمیته فنی جهادسازندگی کلیه مشکلات صنایع روستائی (۳) صفحه ۳۶

سازندگی

سمینار واحد صنایع نساجی و دستی صفحه ۳۹
والفجر در پیچه ای به صبح پیروزی (جهاد در والفجر (۱)) صفحه ۴۰
برای رضای خدا و نجات محرومان، یاری مظلومان غرب فراموش نشود (گزارشی از ستاد پشتیبانی جنگ جهادسازندگی قرارگاه حمزه) صفحه ۴۲
شهادت جهادسازندگی صفحه ۴۶
بالتدگی در طلوع فجر صفحه ۴۹
گزارشی از ستاد بازسازی مناطق جنگی خوزستان صفحه ۵۰
اخیر جهادسازندگی صفحه ۵۴

«جهاد» نشریه جهادسازندگی

سال سوم شماره ۵۲ چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۲ - ۵ شعبان ۱۴۰۳
زیر نظر هیئت تحریریه
تک شماره ۵۰ ریال
آدرس: خیابان آیت الله طالقانی - چهار راه ولی عصر دفتر مرکزی جهادسازندگی
مکاتبان: صندوق پستی ۳۱/۱۲۳۳
تلفن ۶۶۹۶۱۱۵ (داخلی ۳۵۰)
«جهاد» هر دو هفته یکبار، از محل خویشاوندی مردم و اعضاء جهادسازندگی منتشر می شود.
چاپ از ایرناچاپ

حکایت خیانت های ۶۰ ساله
مارکسیسم به ملت و
میهن اسلامی ایران

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«حدود ۶۰ سال است که مارکسیستها در ایران خیانت کرده اند حزب توده که الان می گوید من در خط امام هستم، تاریخچه اش، تاریخچه خیانت است - تاریخچه اش تاریخچه خیانت به انقلابهای ایران است.»
«شهید مظلوم بهشتی»

دستگیری سران حزب خان توده ما را بر آن داشت که عنوان سرمقاله این شماره را به مسئله مذکور اختصاص بدهیم. استاد شهید مرتضی مطهری در تاریخ ۵۷/۱۱/۲ یک سخنرانی در دانشکده الهیات در قسمتی از سخنرانی شان نکته های جالبی را پیرامون نفاق مارکسیستها مطرح کرده بودند که اکنون پس از گذشت چهارسال حزب توده ما در کلیه گروههای چپ در ایران با اعمال خائنه و منافقانه خود علاوه بر اثبات نظر شهید مظلوم بهشتی مبنی بر ۶۰ سال خیانت مارکسیستها به ملت و کشور، مهر تاییدی نیز بر گفته های استاد زدند.

استاد مطهری پیرامون نفاق مارکسیستها چنین گفته بودند:
«نو یا سه روز پیش با چند جوان مارکسیست صحبت میکردم. می گفتند آقا بنظر شما، این شعار که می گویند اتحاد، مبارزه، آزادی چه عیب دارد؟ گفتم هیچ عیب ندارد. گفتند: سپس این شعار، شعار مشترک هر دویمان باشد. پرسیدم شما که میگویند اتحاد، مبارزه، آیا در مبارزه میگویند، مبارزه با چه کسی؟... آیا شعارتان را طوری در زیر لفاظی و با یک عبارت مبهم مطرح می کنید که مردم را، یعنی آنهایی که طرفدار مذهب هستند، بتوانید زیر این لوا جمع کنید و بعد به تدریج آنها را اغفال کنید؟...»

بیانیم حرفهایمان را صریح بزنیم که به امام خمینی اعتقاد ندارید و وقتی که با هم می نشینید، می گویند ما تا فلان مرحله با این مرد هستیم و بعد این چنین با او مبارزه می کنیم، چرا عکس او را در تظاهرات خودتان بلند میکنید؟ چرا دروغ میگویند؟... آزادی ابراز عقیده یعنی اینکه فکر خودتان را، یعنی آنچه را واقعا به آن معتقد هستید بگویند، حال آنکه شما می خواهید

ورق بزنید

به نام آزادی عقیده دروغ بگویند، من می‌پرسم چرا عکس پیشوای ما را می‌آورید؟ در واقع می‌خواهید به مردم بگویند ما راهی را می‌رویم که این رهبر می‌رود در صورتیکه شما می‌خواهید به راه دیگری بروید. دروغ گفتن برای چه؟ اغفال چرا؟ آزادی فکر را با آزادی اغفال و آزادی منافق‌گری و آزادی توطئه کردن که نباید اشتباه بکنیم»

و ۶۰ سال است که تاریخ دروغها، نفاقها و خیانت‌های گرایش چپ بطور اعم و حزب خائن توده را بطور اخص در طول پیدایش کمونیسم در میهن اسلامیان ثبت کرده است. و اکنون اقرار به خیانت‌های کمونیسم از آغاز تولدش در ایران از زبان کسانی است که بیشترین تلاش را در نوشته‌هایشان و کتابهایشان در تطهیر خیانتکاران بعمل آورده‌اند. در این مقاله به گوشه‌هایی از خیانت‌های جناح چپ در ایران توسط سران حزب توده که اکنون برای قصاص ۶۰ سال خیانت به آرمان‌های یک ملت در انتظار اجرای عدالت نشسته‌اند اشاره میشود.

۱ - خلع سلاح ستار خان و باقر خان در پارک اتابک توسط حیدر عمو اوغلی و بیرم خان یهودی که منتسب به جناح چپ بودند.

۲ - در نهضت جنگل عناصر چپ با میل به دست اندازی به تمامی قدرت کار را به یک کودتا کشاندند و میرزا ناچار شد به جنگل پناه ببرد و خود همین، شکافی در میان نیروهای انقلابی گیلان پدید آورد که سرانجام منجر به این شد که رضاخان و حکومت ارتجاعی مرکز که دست نشانده انگلیس بود نهضت جنگل را سرکوب کرده و کار را پایان برساند.

۳ - شرکت سلیمان رضای اسکندری (عنصری از میان جناح چپ) در حکومت رضاخان بعنوان وزیر معارف.

۴ - مسائلی که در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ (یعنی سالهای اولیه تشکیل حزب توده در ایران چون حزب توده در سالهای جنگ جهانی دوم و هنگامیکه کشورمان تحت اشغال ارتشهای شوروی و انگلیس بود توسط افرادی مانند بقراطی - آوانسیان - روستا و... که در سال ۱۳۲۰ که در دانشگاه‌های کمونیستی کشورهای شرق تربیت شده بودند و هنگامیکه استالین قدرت حاکمه را در شوروی در دست داشت، جهت حفظ منافع آن کشور در ایران بنیان گذاشته شد) حزب توده در ارتباط با فرقه دمکرات در آذربایجان و کردستان بوجود آورد و

تلاش‌های بیدریغش نسبت به اخذ امتیاز نفت شمال برای روسیه که بیانگر سرسپردگی بی‌قید و شرط این حزب به شوروی است برای صحت این موضوع به گذشته بر می‌گردیم. در تاریخ ۱۳۳۳/۸/۹ - احسان طبری تنوریسین این حزب خائن در روزنامه مردم (وابسته به حزب توده) نوشته است: «عقیده دسته‌ای (که من شخصا در آن دسته قرار دارم) این است که دولت به فوریت برای امتیاز نفت شمال به شوروی و نفت جنوب به کمپانی‌های آمریکایی و انگلیسی وارد مذاکره شود و به همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافی قائل هستیم و علیه آن صحبتی نمی‌کنیم، باید معترف باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافع جدی دارد...»

۵ - شرکت سه تن از اعضای حزب توده در کابینه قوام السلطنه (قوام السلطنه که از ایادی انگلیس بود برای خواباندن غائله فرقه دمکرات آذربایجان به شوروی رفت و در قبال دادن امتیاز نفت شمال به شوروی، این کشور نیز متعهد شد تا از حمایت فرقه دمکرات دست بردارد. حزب توده هم با قوام از در سازه در می‌آید و از دولت وی حمایت کرده و سه تن از اعضای حزب توده در دولتش شرکت می‌کنند. خود این مسئله نشان می‌دهد که هرگاه منافع شوروی اقتضاء کند نوکران خود را قربانی منافعی خواهد کرد و این مسئله بارها تکرار شده است.

۶ - کارشکنی‌های حزب توده در نهضت ملی شدن نفت در غالب اعتصابات، تظاهرات و تبلیغات وارونه که یکی از زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بود.

۷ - موضع‌گیری کمونیستها و حزب توده درباره قیام ۱۵ خرداد ۴۲ که آنرا به تبعیت از اربابشان شوروی یک حرکت ارتجاعی قلمداد کرده و از باصطلاح اصلاحات شاه پشتیبانی کردند.

و بالاخره خیانت‌های بی‌شرمانه‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرتکب شدند، شمه‌ای از خیانت‌های ۶۰ ساله مارکسیسم در ایران می‌باشد.

بنابراین مارکسیسم و خصوصا حزب توده با داشتن چنین گذشته‌ای و براساس ماهیت ضد اسلامی، ضد ملی و الحادی که داشتند برایمان روشن بود که در صورت کسب فرصت، لحظه‌ای را در خیانت و ضربه زدن به انقلاب فروگذار نخواهند کرد. بویژه آنکه امام نیز هنگامیکه هنوز در نجف اقامت

داشتند در مصاحبه‌ای با لوموند گفته بودند که: «من به طرفداران خود گفته‌ام که با مارکسیستها همکاری نمی‌کنیم، زیرا آنها همیشه از پشت به ملت ما خنجر زده‌اند». از طرف دیگر بعد از پیروزی انقلاب برایمان مسلم شده بود که آمریکا و شوروی هر یک به نوبه خود از هیچ تلاشی برای پیدا کردن جای پای در انقلاب اسلامی دریغ نخواهند ورزید و در این میان شوروی به لحاظ تعارض مستقیم ملت ما با آمریکا بیشتر از او امیدوار بود، مضافا بر اینکه حزب توده یعنی عامل مستقیم و نوکران حلقه بگوش خود را با پوشش حمایت از موضع ضد امپریالیستی خط امام نیز وارد کارزار سیاسی کرده بود.

اما چرا با علم و وقوف کامل باین حقایق باز هم به گروه‌های چپ میدان عمل داده شد؟ جوابش را بایستی در سیر چهارساله پس از انقلاب و در نحوه برخورد نظام جمهوری اسلامی ایران با تمامی گروه‌های چپ و راست در این هدف جستجو کرد. نفاق، مودیانه‌ترین روشی است که التقاطیون، ملحدین و کفار برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی برگزیده‌اند و از آنجا که آشکار شدن ماهیت آنان نیازمند گذشت زمان است، لذا نمی‌توانستیم مادام که خیانتشان برای ملت قهرمان ایران کاملا ثابت نشده بود، علیه آنها وارد عمل بشویم.

مروری در برخورد امام با جبهه متحد ضد انقلاب از ملی‌گرایان و بنی‌صدر و منافقین گرفته تا گروه‌های مارکسیست همگی از این مقوله‌اند. قطعا در آینده نیز مشکلاتی از این نوع خواهیم داشت و اتوبوس انقلاب سرنشینان دیگری برای تخلیه در ایستگاه‌های دیگر به‌مراه دارد. اینکه عده‌ای دلخوشی داشته باشند که خواهند توانست انقلاب را به راست و یا به چپ بکشانند، خیال بیهوده‌ای است، ما استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را در اسلام جستجو کرده و همه این مفاهیم مقدس را در مکتب خود باز یافته‌ایم. و اگر شعار آزادی سر داده‌ایم نه بخاطر آنست که آنرا از غرب و یا شعار نابودی استثمار و حمایت از مستضعفین را از شرق گرفته باشیم. اگر زمانی جاسوسان آمریکائی از ساحت مقدس میهن اسلامی پاکسازی میشوند، بخاطر وابستگی به شرق نبوده و اگر امروز هم دست جاسوسان شوروی از سر انقلاب و کشور کوتاه می‌گردد بخاطر وابستگی به غرب نیست. بلکه همه این حرکتها ریشه در شعار اصیل نه غربی، نه بقیه در صفحه ۶۳

تواضع زیباترین ...

کتاب بر شما تجلی کند همه جای دنیا نور است، و هر مومن موسی است. هر کسی با خدا صحبت کند کلام او کلام الهی است. آی برادران و خواهران افتخار اینکه قرآن را بدست گرفته اید بفهمید افتخار اینکه قرآن را دارید پیاده میکنید متوجه باشید این خطاب را به پیامبر گرامی میفرماید:

«وَاطْفُضْ جَنَاحَكَ» پس خطاب برای همه اقتضای است یعنی آی دبیر و معلم وقتی که به بچه و دانش آموز درس میگوئی در مقابل دانش آموزان خضوع کن، در مقابل آنها با رفت و رحمت صحبت کن، آی کسی که درس میخوانی، دانش آموز محترم در مقابل معلم و دبیر خاضع باش و صمیمانه. آی مدرس که در مقابل طلاب محترم درس میگوئی خاضع باش، آی طلاب عزیز در مقابل مدرس خاضع باش که عیسی فرمود: «لَا تَكُونُوا أَعْلَمَ الْجِبَارِينَ» این خطاب برای همه است علمای دیکتاتور، دانشمندان دیکتاتور، مدرس دیکتاتور معلم، دبیر و استاد دانشگاه نباید دیکتاتور باشند، در مقابل هم صفا، صمیمیت، خضوع و تواضع داشته باشید، به فرمانده می گوید: ای فرمانده لشکر در مقابل سربازان خاضع باش، ای سرباز در مقابل فرماندهات خاضع باش، آن تواضع بر این و این تواضع بر آن. آی تو از پیغمبر گرامی بالاتر و والاتری این خطاب برای تو است ای فرمانده لشکر «وَاطْفُضْ جَنَاحَكَ مِنَ الْمَؤْمِنِينَ» ای مدرس «وَاطْفُضْ جَنَاحَكَ مِنَ الْمَؤْمِنِينَ» آی رئیس و مرنوس اداره که ملت نیازمند خیر و فعالیت تو هستند در مقابل مراجعه کنندگان متواضع باش، آی اداری در مقابل مراجعه کننده تواضع کن ای مراجعه کننده در مقابل اداریانی که فعالیت به نفعت دارند تواضع کن، آی کارفرما در مقابل کارگر تواضع کن آی کارگر در مقابل کارفرما صمیمیت داشته باش، آی قاضی و دادستان که با مردم معامله داری در مقابل مجرمان و متهمان که صحبت میکنی با کمال تواضع و آرامی سخن بگو. دادستان دیکتاتور نباش، قاضی دیکتاتور نباش ولو حکم ضرب مینویسی با کمال اخلاق رفتار نمائید. اخلاق تواضع برنامه عام اسلامی است اگر ملت با هم متواضع بشوند وحدت و صمیمیت پیدا میشود و انسانها که با هم دوست و صمیمی شدند جامعه ترقی

و تکامل پیدا می کند. بنام به برنامه هایت اسلام، همه برنامه هایت نور است، همه صحبتهایت روانبخش و جامعه زنده کن است.

در روایت دارد حضرت عیسی جمله ای را می گوید بسیار ارزنده «وَإِنِّي أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ الزُّرْعَ يَنْهَتْ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبِتُ فِي الصَّغَا» مطلبی را به شما بگویم ای حواریین من از سخنان عیسی چنین استفاده میکنم و نمی گویم عیسی پیامبر حتما مقصودش این بود، میفرماید: تکبر اگر در کسی پیدا شود تکبر تکوینی هم باشد محرومیت تکوینی ایجاد میکند تواضع تکوینی هم باشد خیر تکوینی ایجاد میکند در یک مزرعه وسیع سرسبزی اگر یک جای مخصوص به اندازه نیم متر از جاهای دیگر بالاتر باشد این تکبر تکوینی اوست باران آنجا نمیبارد، دانه ها آنجا خوب رشد نمیکند، بالاخره آن محل برای زارع استفاده نمی بخشد و زارع آن محل را نفرین میکند که نیم متر تکبر برای من نتیجه نبخشید اما جانی که یکخورد پایین تر است نیم متر پایین تر است آب آنجا می ایستد و دانه ها میروید و آنجا زراعتش بهتر و نفش بیشتر میشود و آن زارع دعاگوی آن محل است یعنی تواضع وقتی که تکوینش هم باشد اثر خود را دارد پس چگونه میشود در این قلب انسانی تواضع موثر باشد و چگونه میشود در این قلب انسانی تکبر بی اثر باشد برادر و خواهر صفت عظیم تکبر صفت عظیم تواضع را متوجه باش و «تَخَفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» را عمل کن «تَأْدِيبُ آدَابِ اللَّهِ» را عمل کن که خدا دستور میدهد بندگان من «تَأْدِيبُ آدَابِ اللَّهِ» آداب مرا یاد بگیرید، اخلاق مرا بیاموزید زنی از عایشه پرسید تو که همیشه در حضور پیغمبری و پیوسته او را می بینی خواهشتمند از صفات آن حضرت بر ما بیان کن تا ما صفات او را پیدا کنیم و پیامبرگونه باشیم. گفت «صفاتهم قرآن» پیغمبر صفات مختصی ندارد، قرآن را بخوانید هر چه قرآن بگوید صفات نیک است او (پیغمبر) دارد و هر چه قرآن زشت میشارد او ندارد، شما بروید قرآن را بخوانید و از روی این کتاب عظیم خود را متخلق کنید که انشاء... پیغمبرگونه و خداگونه اید.

(ادامه دارد)

از شهدا بیاموزیم....

گونه تشکر بایدبکم، یکی از خلدوند، بخاطر اینکه در خانواده ای مسلمان دنیا آدمم و دیگری از شما، که مرا اینچنین تربیت نمودید و می دانم که شما هم مثل من شاد هستید، که اگر من بیدار دوست شتافتم، شما هم مسرورید، چون یک قربانی در راه خدا و استقرار دین او داده اید، و از شما می خواهم برای من طلب مغفرت و آمرزش نمایید و شهادت مرا نیز به دوستانم تریک گفته و یا سربندی تمام بر دیگران اذعان دارید، که ما عزیزان را در راه اسلام فدا نموده ایم، تا اسلام با این چند قطره خون بیشتر آبیاری شود و انقلاب اسلامی ایران در تمام بلاد مسلمین پای گیرد و پرچمش بر فراز تمام جهان برافراشته گردد. من افتخار آنرا دارم که در راهی گام برداشتم که راه اعلی بود و رهبری داشتم که در تاریخ جهان پس از ائمه اطهار، بسان او نیامده بود و هم او بود که ما را بر آن داشت که راهمان را تشخیص دهیم و دشمنان را بشناسیم و او است که زمینه ساز حکومتی می باشد بسان حکومت علی (ع). به دوستانم بگوئید که من با این عقیده خونم را نثار کردم و شما هم هر چه راسخ تر از پیش برای تداوم خط امام و راه اسلام کوشش کنید تا خود لذت آنرا نصیب شوید.

علی اصغر مشکی ۵۹/۵/۱۷

حکایت خیانت های ...

شرقی، جمهوری اسلامی دارد. و طبعاً با این پیروزی بزرگ که با همت سربازان گمنام و پاسداران جان برکف تحقق یافته است، بهانه های واهی نیز از همه کسانی که تا امروز هرگاه که حرکتی در جهت حمایت از محرومین میشد، آنرا متهم به گرایش به سوی شرق زدگی و کمونیسم و از این قبیل پرچسب های ناچسب میکردند گرفته خواهد شد. و نکته آخر اینکه تا زمانیکه بر میثاق مان با خدایمان و عدم نقض عهد و پیمان الهی پای میفشاریم پیروزی از آن ماست و وعده خداوند هم حق است که: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» و «أَنْ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»